

تحلیلی بر ماهیت و ابعاد و تنوع مراقبه خداوند از انسان با تمرکز در نهج البلاغه

حسین ستوده نیا* / عباسعلی فراحتی** / مریم السادات هاشمی***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

چکیده

نظر به اینکه مراقبه تأثیر بسزایی در سعادت و تربیت فردی و اجتماعی بشر دارد، همواره از دیرباز مورد توجه اندیشمندان مکاتب مختلف به‌ویژه صاحب‌نظران مکتب انسان‌ساز اسلام بوده است و از چنان جایگاه با ارزشی برخوردار است که در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه روایات امیرمؤمنان علی علیه‌السلام نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم به آن اشاره شده است؛ لکن تاکنون پژوهش علمی جامع و مستقلی درباره این مهم از دیدگاه امیرمؤمنان علیه‌السلام انجام نشده است؛ بر همین اساس با توجه به اهمیت مسئله مراقبه و با هدف تبیین و ترویج دیدگاه امیرمؤمنان علیه‌السلام در مورد این موضوع بر آن شدیم تا در پژوهش حاضر با روشی تحلیلی اسنادی با نگاهی نو و همه‌جانبه ماهیت یکی از ابعاد مراقبه که مراقبه خداوند از انسان است را در نهج البلاغه مورد بحث و واکاوی قرار دهیم. از یافته‌های پژوهش این است که در سخنان امیرالمؤمنین علیه‌السلام که پس از قرآن ماندگارترین سخن آدمیان است؛ مراقبه دارای اقسام و ابعاد وسیعی است و آثار متعددی را در پی خواهد داشت. نگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام نسبت به مراقبه نگاهی همه‌جانبه است که تنها متوجه نفس یا جسم نیست، بلکه اقسام متعددی دارد که متوجه خدا، انسان و نفس انسانی است و آثار آن نیز تنها متوجه دنیا یا آخرت آدمی نیست، بلکه آثاری همه‌جانبه است که در غایت به سعادت انسان در دنیا و آخرت منجر می‌شود.

کلید واژه:

مراقبه، آثار فردی، آثار اجتماعی، نهج البلاغه، معارف علوی.

*. hosseinsotude.77@gmail.com

** . a.farahati@gmail.com

***. hashmaysadat@gmail.com

*. کارشناسی ارشد نهج البلاغه دانشگاه کاشان. (نویسنده مسئول)

** . دانشیار گروه نهج البلاغه دانشگاه کاشان. کاشان. ایران.

***. دکتری کلام اسلامی. مدرس دانشگاه. اصفهان. ایران.

مقدمه

مراقبه یکی از موضوعات عرفانی اخلاقی تربیتی است که قدمتی به درازای تاریخ بشر داشته و همه ادیان و مذاهب به آن توجه داشته‌اند. گذشت زمان و پیشرفت انسان در عرصه‌های مختلف تکنولوژی نه تنها موجب کم‌توجهی به این مسئله مهم نشده‌است، بلکه به فراخور زمان دیدگاه‌های جدیدی اعم از مادی و غیرمادی نیز توسط مکاتب نوظهور ارائه گردیده‌است.

مراقبه ابعاد مختلفی دارد. یکی از ابعاد آن مراقبه و محافظت خداوند از انسان است. خداوند برنامه‌ای ویژه برای رسیدن ادمی به سعادت ابدی و قرب الهی تنظیم نمود و همواره به نظارت و پاییدن انسان در این مسیر اهتمام ورزید و او را در مقابل موانعی که موجب انحراف از مسیر سعادت می‌شد، محافظت نمود و با هدف مراقبت از ادمی در راه نیل به سعادت ابدی پیامبران و کتب آسمانی را به سوی ادمی گسیل کرد تا در این مسیر پر فراز و نشیب چراغ راه انسان گردیده و او را از تاریکی به سوی نور هدایت کنند. خداوند همواره انسان را به مراقبت از نفس و هم‌نوعان خود در برابر موانعی که موجب تزلزل او از مقام خلیفه الهی به مقام حیوانی می‌گردد، تشویق و ترغیب نموده‌است.

در میان ادیان الهی دین مبین اسلام نگاه ویژه‌ای نسبت به مراقبه در جهت رستگاری انسان داشته‌است. واژه مراقبت در بیست آیه از قرآن کریم با کلماتی همچون رقیب، ارتقبوا، فرتقب، یترقب، مرتقبون به صورت مستقیم به کار رفته‌است که اکثراً به مراقبت و محافظت خدا از انسان اشاره دارد.^۱ (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۷: ۲۴۵ و ج ۶: ۲۴). مراقبت در قرآن در باب‌های افتعال و تفعل بیشتر به معنای انتظار^۲ و گاهی به معنای رعایت حقوق دیگران^۳ به کار رفته‌است. برخی از مفسران واژه تقوا را به معنای مراقبه معنا می‌کنند.^۴ (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۸: ۱۳۶؛ ج ۱۹: ۳۷۳؛ طیب، ۱۳۷۸، ج ۶:

۱ - «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء: ۱۰۷) برآستی خداوند مراقب شما است. «فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (مانده ۱۱۷) چون مرا [از میان آنان به سوی خود] برگرفی، خود مراقب و نگاهبانشان بودی و تو بر همه چیز گواهی

۲ - «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» پس موسی ترسان و دگران در حالی که حوادث تلخی را انتظار می‌کشید. (قصص: ۲۷). «فارتقب يوم تأتي السماء بدخان مبين» (دخان: ۱۰) پس به انتظار روزی باش که آسمان دودی آشکار بیاورد.

۳ - «لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وِلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ» (توبه: ۱۰) در حق هیچ مومنی رعایت خویشاوندی و پیمانی را نمی‌کنند و آنان همان تجاوزکاران هستند

۴ - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَاتَّقُوا نَفْسَ مَا قَدَّمَتْ لِعَدَاؤِكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» ای اهل ایمان از خدا پروا کنید و هر کس



۱۸۳). مراقبه در روایات معصومین علیهم‌السلام نیز بازتاب یافته است. برای نمونه امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: خدا رحمت کند کسی را که به پروردگار خویش راغب باشد (دین خود را بیاید) و به گناه خود رسیدگی کند، با هوای نفس مخالفت ورزد و آرزویش را دروغ شمارد. ...^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۴۲۳).

در حدیثی قدسی نیز آمده است: «یا بوسا لمن عصانی و لم یراقبني» بدا به حال آنها که از رحمتم ناامیدند و بدا به حال آنها که نافرمانیم کنند و از من پروا نکنند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۷). در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام خداوند می‌فرماید: «یا عیسی، کُنْ حَیْثُمَا کُنْتُ مُرَاقِبًا لِي» ای عیسی! هر جا هستی مرا در نظر داشته باش.

در جوامع غربی از مراقبه با عنوان مدیتیشن یاد می‌شود. این کلمه که از ریشه یونانی و در اصل به معنای هرگونه تمرین جسمی و فکری گرفته شده است. (رویا موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶، شماره ۴۵). مدیتیشن در فرهنگ غربی بیشتر متوجه جسم و روان انسان است و در واقع نوعی تمرکز و تمرین ذهنی برای کسب آرامش ذهن است. محور و هدف مراقبه در فرهنگ غرب، رسیدن به یک آرامش روانی مادی است و هیچ سخنی از سیر و سلوک و نیل به فلاح در آن دیده نمی‌شود (سلطانی‌فر، ۱۳۹۲: ۲۹۷) حال آنکه مراقبه در فرهنگ اسلامی به همه ابعاد انسان توجه خاص دارد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز که خود الگوی کامل و راستین مسلمانان و جهانیان پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، نگاه ویژه‌ای به مراقبه دارد؛ به طوری که در سخنان گهربار مولای متقیان علیه‌السلام مراقبه در ابعاد مختلف از جمله مراقبت و نظارت خداوند بر انسان تجلی می‌یابد.

بنابراینچه که گفته شد پژوهش پیش و روی با روشی کتابخانه‌ای مبتنی بر تجزیه و تحلیل منابع دینی به‌ویژه معارف علوی با گردآوری اطلاعات از سه روش اسنادی (کتابخانه‌ای-رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی) به پژوهش در یکی از ابعاد مراقبه (مراقبه خداوند از انسان) در سخنان حضرت امیر علیه‌السلام در نهج البلاغه می‌پردازد. و قصد پاسخ به سوال ذیل را دارد. حقیقت و اقسام و آثار تربیتی فردی و اجتماعی مراقبه خداوند از انسان در نهج البلاغه چگونه ترسیم شده است.؟ از فواید و

باید با تأمل بنگرد که برای فردای خود چه چیزی پیش فرستاده است و از خدا پروا کنید. یقیناً خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (حشر ۱۸)

۱- «عنه علیه السلام: رَجِمَ اللَّهُ امْرَأً رَاغَبَ رَبِّهٖ (رَاقِبَ دِينَهٗ) وَ تَوَكَّفَ ذَنْبَهٗ وَ كَاثَرَ هَوَاهُ وَ كَذَّبَ مُنَاهُ...»



نوآوری‌های این پژوهش ارائه‌نگاهی نو از ماهیت مراقبه خداوند از انسان در نهج‌البلاغه و تبیین و نقد مکاتب باطل و انحرافی از مراقبه در جهان است.

علازم این‌که مهدی گورانسرای در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی و تحلیل مراقبه در نهج‌البلاغه و تطبیق آن در منطق‌الطیر و مثنوی» اشاره مختصری به عوامل و موانع و آثار جسمی و روحی مراقبت از نفس در نهج‌البلاغه نموده‌است و آن را با دو اثر گران‌سنگ فارسی تطبیق داده‌است. و همچنین رضا رنجبر در مقاله خود با عنوان «مراقبه در نهج‌البلاغه» به بررسی معنای مراقبه می‌پردازد. هیچ‌کدام از دو اثر فوق به به مراقبه خداوند از انسان در نهج‌البلاغه اشاره نمی‌کند. لذا پژوهش پیش روی از این حیث جنبه نوآوری و بکر و پاسخ به یک خلاء علمی است.

۱. معنانشناسی مراقبه

فراهیدی مراقبه را از ریشه رقب و به معانی حراست کردن، نظارت کردن و محافظت کردن آورده‌است (۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۵۴) و ابن فارس مراقبه را مراعات کردن معنا کرده‌است (۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۲۷)، به بیان دیگر آدمی در هنگام مراقبت رقیب را می‌بیند و همواره برخی مسائل و شرایط را در نظر گرفته و مراعات می‌کند تا در مسیر مراقبت خللی به وجود نیاید.

صاحب مفردات مراقبه را از ریشه رقب و به معنای گردن می‌داند (راغب، مفردات، ۱۴۱۲ق: ۳۶۱)؛ به بیان دیگر مراقب برای تسلط همه‌جانبه و نظارت عمیق بر چیزی گردن خود را در حالت کشیده و ناظر نگه می‌دارد و بر افعال و اعمال گردن‌کشی می‌کند.

صاحب لسان‌العرب مراقبه را به نوعی پاییدن معنا کرده‌است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۴۲۴) و خواجه عبدالله انصاری نیز مراقبه را به معنای تحقیق و تفحص و زیر نظر گرفتن می‌داند. ابن‌میثم بحرانی یکی از شارحان نامدار نهج‌البلاغه در شرح خود مراقبه را هم‌سنگ با محافظت معنا نموده (بحرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱) و علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه نیز مراقبه را برگرفته از رقبه به معنای نگهدار ترجمه کرده‌است (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۷: ۲۴۵).

با توجه به بررسی کتب لغت مراقبه مترادف کلماتی همچون محافظت، حراست، صیانت، مراعات، مشاهده و نظارت و... است (طراد، ۲۰۰۹م، ج ۱: ۱۸۵ و ۵۴۳).



مراقبه در اصطلاح دارای تعریفی عام و تعریفی خاص است. تعریف عام مراقبه با تکیه بر همان تعاریف لغت‌شناسان و علمای اخلاق است که قبل از هر چیز از آیات و روایات بهره برده‌اند. مراقبه در معنای خاص به معنای مراقبت از نفس است که مورد توجه عارفان و سالکان است و مرحله پس از مشارطه است و به توضیح روشن‌تر، آدمی پس از اینکه با آفریدگار خویش عهد بست، باید از خویشتن در برابر گناه مراقبت کند و خود را در برابر این عهد مسئول بداند که اگر لحظه‌ای غفلت کند، پیمان خویش را شکسته‌است.

در حقیقت انسان مراقب در این دنیا همانند کسی است که با سرمایه هنگفتی از طلا و جواهر برای خرید و معامله وارد بازاری بزرگ می‌شود که در آن بازار دزدان چیره‌دستی در کمین نشسته‌اند تا سرمایه او را به تاراج ببرند و چند لحظه غفلت این فرد موجب به تاراج رفتن سرمایه او خواهد شد. از نظر عرفا پیشینه مراقبه به مرابطه بازمی‌گردد که عبارت است از نگهبانی و مراقبت عقل از نفس و مشارطه پیش‌نیاز مراقبه و معاقبه و مقامات پس از آن تکمیل‌کننده محاسبه است (فیض کاشانی، ۱۳۷۲: ۱۹۳).

علمای اخلاق و عرفان تعاریف مختلفی از مراقبه ارائه داده‌اند که به برخی از این تعاریف اشاره خواهیم کرد.

سید علی همدانی مراقبه را توجه تام و تمام به مبدأ (خداوند) و نسیان از غیر حق می‌داند (سید علی همدانی، ۱۳۷۰: ۷۳) و برخی مراقبه را دانش و علم عبد بر اطلاع خداوند بر او تعریف کرده‌اند (قشیری-۱۳۷۴: ۲۹۳). از نظر ایشان مراقبه یعنی انسان به این فهم و درک برسد که خداوند همواره ناظر و آگاه بر اعمال اوست.

برخی نیز مراقبه را مداومت بر ذکر قلبی تعریف نموده‌اند (عزالدین کاشانی، ۱۳۹۳: ۱۷۱)؛ به بیان دیگر در این تعریف، مراقبه آن است که انسان در باطن و قلب خود و در هر حالی به یاد خدا باشد و از او غافل نشود و همواره او را حاضر و ناظر بر اعمال خود ببیند.

در تعریفی دیگر مراقبه یعنی خود را در محضر ربوبی دیدن و نظارت بر رفتار خود است (نعیم محمد، ۱۳۹۷: ۶۶۴)

علامه بحر العلوم رحمته‌الله نیز در تعریف مراقبه چنین می‌گوید:

مراقبه عبارت است از متوجه و ملتفت خود بودن در همه احوال تا از آنچه بدان عازم شده و عهد کرده، تخلف نکند، البته پیش از آنکه آدمی مراقب اعمال خود باشد، همچنان که قرآن کریم صراحتاً بیان کرده، فرشتگان مراقب اعمال انسان هستند (بحرالعلوم ۱۴۱۸ق، ۱۵۷).

مرحوم فیض کاشانی نیز منظور از مراقبه را شاهد بودن تعریف نموده است (فیض کاشانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۹۰)؛ به بیان دیگر آدمی همواره خدا را شاهد بر اعمال خود می‌پندارد و بر همین اساس، مراقب اعمال خود و برخورد خود با دیگران نیز خواهد بود. ایت الله جوادی املی مراقبه را رقیب بودن انسان بر خود معنا کرده‌اند (جوادی املی، ۱۳۹۴: ۴۹۴) که مؤید همان معانی لغوی و اصطلاحی گذشته است.

۲. گونه شناسی مراقبه خداوند از انسان در نهج البلاغه

خداوند متعال از بدو خلقت، آدمی را با قرار دادن در بالاترین جایگاه در دنیا و قرار دادن بالاترین هدف برای او همواره او را در راه رسیدن به این هدف نفیس یاری داده و از او در برابر موانع این هدف به طرق مختلف مراقبت نموده است و همواره مراقبت خود را به انسان یادآوری نموده و او را به مراقبت از خود در این مسیر فراخوانده است، به گونه‌ای که در قرآن کریم فرموده است: او همراه شما است، هر کجا که باشید (حدید / ۴) و از همه نهان و آشکار ما با خبر است (فاطر / ۳۸) و چنانچه خود فرموده است که من از رگ گردن به شما نزدیکترم (ق / ۱۶) و این مراقبت خداوند امری غیرقابل انکار است.

امام علی علیه السلام نیز نگاه ویژه‌ای نسبت به مراقبت خدا از انسان دارد. از نگاه مولای متقیان علیه السلام شدت مراقبت خدا از انسان به حدی است که ایشان در دعای پر فیض کمیل خطاب به خداوند می‌فرمایند: «وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ» ای خدا فراتر از آن‌ها مراقب من بودی و شاهد بر آنچه از آنان پنهان ماند

مراقبت خدا از انسان را می‌توان به گونه‌های مختلفی تقسیم نمود. از جمله ۱: مراقبت عام خداوند از انسان که ناشی از رحمانیت اوست، ۲: مراقبت خاص خداوند از مؤمنان، ۳: مراقبت خاص خداوند از کافران، ۴: مراقبت بی واسطه خداوند از انسان، ۵: مراقبت با واسطه خداوند از انسان، ۶: مراقبت تکوینی خداوند از انسان، ۷: مراقبت تشریحی خداوند از انسان... در ادامه این اقسام را در نهج البلاغه دنبال می‌کنیم.

خداوند برای مراقبت از انسان در مسیر سعادت ابدی او در همه دوران‌ها پیامبران و مراقبانی را مبعوث نموده‌است تا از سویی آن پیامبران آدمی را از مراقبت و نظارت خدا آگاه کنند و از سویی دیگر نیز آدمی را بر مراقبت از خود و دیگر هم‌نوعان ترغیب و تشویق نمایند. امام علی علیه السلام به کرات به مراقبت خداوند از انسان در قالب ارسال رسل اشاره می‌کند. برای مثال امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رُسُلَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ؛ خداوند پیامبران علیهم السلام خود را مبعوث فرمود و هر چندگاه، متناسب با خواسته‌های انسانها، رسولان خود را پی در پی اعزام کرد» (نهج البلاغه، خطبه ۱). همچنین امام علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ؛ به راستی خداوند پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هشدار دهنده جهانیان را مبعوث کرد». (نهج البلاغه، خطبه ۲۶).

امام علی علیه السلام در جمله فوق تنها به صفت بیم‌دهنده بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره کرده‌اند و به نظر این اشاره، از این‌روست که غالباً انسان زمانی انگیزه انجام وظایف و مسئولیت‌های خود را پیدا می‌کند که مجازاتی برای آن تعیین شده باشد و به بیان واضح‌تر تا زمانی که مجازاتی برای اعمال خلاف تعیین نشده باشد، آدمی انگیزه‌ای برای دوری از آن تخلفات نخواهد داشت؛ همچنانکه در قوانین عصر حاضر نیز ضامن عمل به تعهدات و وظایف نوعی مجازات است و استفاده از موارد تشویقی برای انجام وظایف بسیار کمتر است؛ همچنین امام علی علیه السلام در سخنی دیگر به نذیر و بشیر بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره کرده‌اند که به وضوح می‌توان مراقب بودن ایشان را اثبات نمود. «فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ مُحَمَّدًا عِلْمًا لِلْسَّاعَةِ وَ مُبَشِّرًا بِالْجَنَّةِ وَ مُنْذِرًا بِالْعُقُوبَةِ؛ همانا خداوند، محمد صلی الله علیه و آله و سلم را نشانه قیامت و مزده‌دهنده بهشت و ترساننده از کیفر جهنم قرار داد» (خطبه ۱۶۰). همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام در جای دیگری فرموده‌اند: «وَقَالَ علیه السلام عِنْدَ ذِكْرِ النَّبِيِّ بَلَغَ عَنْ رَبِّهِ مُنْذِرًا وَ نَصَحَ لِأُمَّتِهِ مُنْذِرًا وَ دَعَا إِلَى الْجَنَّةِ مُبَشِّرًا؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن جهت فرستاده شده‌اند تا بیم‌دهنده از گناه و بشارت‌دهنده به بهشت باشند».



و در سخن دیگری حضرت علی علیه السلام با بیان روشن‌تر به این مسئله اشاره کرده و فرموده‌اند: «بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَىٰ عِبَادَتِهِ وَمِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَىٰ طَاعَتِهِ يَقْرَأَنَ قَدْ بَيَّنَّهُ وَأَحْكَمَهُ لِيُعَلِّمَ الْعِبَادَ رَبَّهُمْ إِذْ جَهِلُوهُ وَيُعَيِّرُوا بِهِ بَعْدَ إِذْ جَاحَدُوهُ وَيُثْبِتُوهُ بَعْدَ إِذْ أَنْكَرُوهُ فَتَجَلَّىٰ لَهُمْ سُبْحَانَهُ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ بِمَا آزَاهُمْ مِنْ قُدْرَتِهِ وَخَوْفَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ؛ خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت تا بندگان خود را از پرستش دروغین بت‌ها رهایی بخشیده و به پرستش خود راهنمایی کند و آنان را از پیروی شیطان نجات داده و به اطاعت خود کشاند با قرآنی که معنای آن را آشکار کرد و اساسش را استوار نمود تا بندگان عظمت و بزرگی خدا را بدانند که نمی‌دانستند و به پروردگار اعتراف کنند که پس از انکارهای طولانی اعتراف کردند و او را پس از آنکه نسبت به خدا آشنایی نداشتند، به درستی بشناسند و از قهر خود ترسند» (خطبه ۱۴۷).

ب. سنت استخلاف

استخلاف از ماده خلف در منابع معتبر لغوی به سه معنای چیزی که پس از چیز دیگری می‌آید و پشت سر و جانشین چیزی شدن ذکر شده‌است (ابن‌منظور، ذیل ماده خلف).

سنت استخلاف بدین معناست که خداوند هر گروهی را که دارای شرایط خاص الهی نباشد، از بین برده و گروهی را که دارای آن شرایط خاص خداوند است، را جایگزین گروه قبل می‌کند، به بیان روشن‌تر خداوند متعال که خود ناظر بر همه موجودات است، چنان داروغه‌ای مسلط تمام انسان‌ها و اقوام را تحت نظر دارد و چنانچه هر کدام از اقوام از رعایت قوانین و حدود الهی تعدی کنند و معیارهای خاص الهی را از دست بدهند، این سنت بر آنها جاری می‌شود و خداوند گروه دیگری را جانشین آنان خواهد نمود؛ چنانچه در آیه ۵۵ سوره مبارکه نور که به آیه استخلاف مشهور است، به این مسئله اشاره کرده و می‌فرماید:

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ؛ خدا به کسانی از شما بندگان که (به خدا و حجت عصر صلی الله علیه و آله) ایمان آرند، و نیکوکار گردند وعده فرمود که (در ظهور امام زمان علیه السلام) در زمین خلافتشان دهد، چنانکه امم صالح پیامبران سلف را جانشین پیشینیان آنها نمود و دین پسندیده آنان

را (که اسلام واقعی است، بر همه ادیان) تمکین و تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی، بی هیچ شائبه، شرک و ریا پرستش کنند و بعد از آن هر که کافر شود، پس آنان به حقیقت همان فاسقان تبہکارند). علامه طباطبائی رحمته اللہ علیہ در خلال تفسیر این آیه به این نکته اشاره کرده است که مراد از خلافت در این آیه، ارث دادن زمین به مؤمنان است (علامه طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱۵: ۲۱۰).

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در سخنان نورانی خود وارث بودن مردم بر زمین را به آنان گوشزد نموده و می فرماید: «وَ اللَّهُ مُشْتَاتِدِيكُمْ شُكْرَهُ وَ مُورِثُكُمْ أَمْرَهُ؛ خداوند ادای شکرش را از شما خواسته و امور خویش را به شما واگذار کرده است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۴۱).

برخی از شارحان چیره دست نهج البلاغه این کلام مولای سخن را مؤید آیه ۵۵ سوره مبارکه نور دانسته اند و نوشته اند منظور از (مورثکم امره) این است که خداوند اکنون حکومت روی زمین را که در گذشته در دست خدایپرستان بود، به شما سپرده است (بحرانی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۵۶۹).

امام علی علیه السلام در سخن کوتاهی به حکومت جهانی ائمه اطهار علیہم السلام اشاره نموده است که توسط حضرت موعود علیه السلام تشکیل می شود و تمام حکومت های فاسد و ظالم به دست ایشان برچیده خواهد شد و حکومت صالح جایگزین آنان می شود. «قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَتُعْطِقَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا نَعْدَ شَمَائِهَا عَظْفَةَ الضُّرُوسِ عَلَيَّ وَ لِدَهَا وَ تَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَيَّ الَّذِينَ أُسْتَضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَلْوَارِثِينَ؛ درود خدا بر او، فرمود: دنیا پس از سرکشی، به ما روی می کند، چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد. (سپس این آیه را خواند) و اراده کردیم که بر مستضعفین زمین، منت گذارده آنان را امامان و وارثان حکومت ها گردانیم» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹).

به نظر آیت الله خویی محور سخن امیرالمؤمنین علیه السلام بر اساس قرینه (علینا) و آیه ای که توسط حضرت علی علیه السلام قرائت شده است، حضرت ولی عصر علیه السلام است (خویی، ۱۴۰۰، ج ۲۱: ۲۸۰).

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۵۲ به سنت استخلاف اشاره نموده و به بیان حقانیت حکومت اهل بیت علیہم السلام پرداخته اند و حکومت آنها را بر اساس سنت استخلاف دانسته اند. «إِسْتَبْدَلَ اللَّهُ بِقَوْمٍ قَوْمًا وَ يَوْمٍ يَوْمًا وَ اِنْتَظَرْنَا الْغَيْبَ اِنْتَظَارَ الْمُجِدِّبِ الْمَطْرَ؛ خداوند گروهی را به گروهی تبدیل و روزی را برابر روزی قرار داد و

ما چونان مانده در خشکسالان که در انتظار بارانند، انتظار چنین روزی را می‌کشیدیم». با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان به این نتیجه رسید که حضرت علی علیه السلام در کلام خود مکرراً به سنت استخلاف اشاره نموده‌است و به مصداق بارز استخلاف که همان اهل بیت علیهم السلام هستند، اشاره کرده‌است؛ هرچند که حکومت از آنان غصب شده‌است، اما آنان بهترین مراقبان هستند و هیچ‌گاه زمین از آنان خالی نبوده و نیست. خداوند متعال با این سنت و به واسطه ائمه اطهار علیهم السلام به نوعی از انسان‌ها مراقبت می‌کند.

ج. سنت دگرگونی اجتماعی

امیرالمؤمنین علیه السلام خود در روزگاری پر فراز و نشیب از تاریخ می‌زیسته‌است و همین مسئله موجب نگاه خاص آن حضرت نسبت به سنت تغییر شده‌است که برای نمونه به چند مورد کلی مربوط به موضوع بحث اشاره می‌کنیم.

از نگاه امیر علیه السلام سخن، سنت تغییر کاملاً وابسته به افراد جامعه است و تا افراد خود نخواهند تغییری ایجاد نمی‌شود. قرآن کریم نیز بر همین نکته تأکید کرده و می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند) (رعد/۱۱).

در نگاه حضرت علی علیه السلام به صراحت پیداست که عدم پرهیز از برخی اعمال ناپسند و پیروی از بدعت‌ها و... موجب دگرگونی روح فردی و جمعی جامعه خواهد شد و تا خود اعضای اجتماع به نفس خود غلبه نکنند و راه توبه و تزکیه را در پیش نگیرند، به تعالی نخواهند رسید و عاقبت آنان تباهی است. امام علیه السلام در خطبه قاصعه می‌فرمایند: بر سنت‌های گذشتگان ممارست نکنند و عاقبت پیشینیان را سرلوحه عبرت خود قرار دهند و پیروی از سنت‌های جاهلی را کنار بگذارند، زیرا پافشاری بر سنت‌های گذشتگان موجب نابودی آنها خواهد شد (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

امام علی علیه السلام می‌فرماید: قومی که با پرهیزکاری در برابر خدا و فرمانبرداری از او به اوج شکوفایی و آبادانی در نعمت رسیده‌اند، هرگز آن نعمت‌ها را از دست نمی‌دهند، مگر زمانی که نفسشان را تغییر دادند و با ارتکاب به گناهان از حدود الهی مراقبت نکردند (حدیث ۳۶۸، روضه کافی).



از این حدیث اینگونه برداشت می‌شود که سنت تغییر و ابتلای به کمبود نعمت‌ها ارتباط مستقیم با بحث مراقبه دارد، به طوری که تغییر و ابتلای به کمبود و تبدیل نعمت‌های الهی در نتیجه عدم مراقبت انسان‌ها در جوانب گوناگون زندگی فردی و اجتماعی رخ می‌دهد و هدف غایی این سنت ترغیب به همان اصل مراقبه است.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه به انواع و مصادیقی از سنت تغییرات اجتماعی که در نتیجه عدم مراقبه حاصل می‌شود اشاره کرده است. برای مثال از دیدگاه امام علی علیه السلام یکی از مواردی که باعث تغییر و سلب نعمت‌ها می‌شود، ستمگری یا همان عدم مراقبت از حقوق دیگران است. ایشان در توصیه‌های اخلاقی به مالک اشتر در نامه ۵۳ می‌فرمایند: «وَلَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَتَعْجِيلِ تَقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلَي ظُلْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَّهِدِينَ وَهُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ؛ امام علی علیه السلام با این سخن به ستمگران هشدار می‌دهد که اگر صدای مظلومی را از شدت ستمگری بشنود، اگر موجبات تغییر نعمت فراهم باشد، به سرعت نعمت را سلب خواهد کرد و در آخر هم تأکید می‌کند که خداوند در کمین و مراقب است» (بحرانی، ۱۴۰۴، ج ۵: ۲۴۲).

امام علی علیه السلام در فراز دیگری از سخنان خود می‌فرمایند: «اتَّقُوا الْبَغْيَ فَإِنَّهُ يَجْلِبُ النَّعْمَ وَيَسْلُبُ النَّعْمَ وَيُوجِبُ الْغَيْرَ؛ از ظلم بترسید و مراقب باشید که نعمت را می‌کاهد و نعمت می‌آورد و دگرگونی را در پی دارد» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۳۴). و در جای دیگر می‌فرمایند: «أَبْطُرُ يَسْلُبُ النَّعْمَةَ وَيَجْلِبُ النَّعْمَةَ؛ گردن‌کشی نعمت را سلب کرده و موجب عقوبت می‌شود» (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۸۰۵).

همچنین یکی دیگر از عوامل تغییر نعمت‌ها ظلم به یتیمان و کنیزان است. مولای موحدان در این باره می‌فرمایند: «ظُلْمُ الْيَتَامَى وَالْإِمَاءِ يُنْزِلُ النَّعْمَ وَيَسْلُبُ النَّعْمَ؛ ظلم به یتیمان و کنیزان باعث نزول نعمت و سلب نعمت می‌شود» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۲۴). حضرت علی علیه السلام در روایتی عامل تغییر قدرت افراد را عدم دفاع و مراقبت از حقوق مظلومین در برابر ظالمان معرفی می‌کند. «مَنْ لَمْ يُنْصِفِ الْمَظْلُومَ مِنَ الظَّالِمِ سَلَبَهُ اللَّهُ قُدْرَتَهُ؛ هر که از مظلوم در برابر ظالم بازخواست نکند، خداوند قدرت او را سلب می‌کند» (محمدی ری‌شهری و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۲: ۴۹۵).

یکی دیگر از عوامل تغییر نعمت از نظر امیرالمؤمنین علیه السلام ناشکری انسانها است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «کفران النعم یزل القدم و یسلب النعم؛ کفر نعمت قدم را سست می‌کند و باعث سلب نعمت می‌شود» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵۳۸).

نزاع پادشاهان از نظر امام علی علیه السلام یکی دیگر از مصادیق ستم و عوامل سلب نعمت است. ایشان در روایتی می‌فرمایند: «منازعه الملوک تسلب النعم؛ جنگ فرمانروایان باعث سلب نعمت می‌شود» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۸۸).

امام علی علیه السلام بر تأثیر افکار حاکمان بر تغییر زمانه تأکید نموده‌اند: «إِذَا تَغَيَّرَ السَّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ؛ هنگامی که سلطان تغییر کند، زمانه تغییر می‌کند». (نامه ۳۱ نهج البلاغه)

د. سنت ابتلا و امتحان

واژه ابتلا از بلا بیلو گرفته شده است و در لغت به معنای اصل و واقعیت چیزی آمده است (عسکری، ۱۴۰۰، ج ۱: ۱۰) و در معنای دوم به معنای پوسیده و کهنه آمده است (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۲۴۷)؛ همچنین واژه ابتلاء با کلماتی مثل تمحیص امتحان و فتنه به ویژه در قرآن هم خانواده است که از این بین، فتنه شدیدترین درجه ابتلاء و آزمایش است (عسکری، ۱۴۰۰، ج ۱: ۳۹۶ و ۳۹۷).

سنت امتحان در نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که پر تکرار بودن مبحث ابتلاء و امتحان، خود دلیلی بر این مدعاست. از نگاه مولای سخن علیه السلام، همه انسان‌ها از مؤمن تا کافر بلا استثناء مورد آزمایش قرار می‌گیرند و این قانون و سنت حتمی خداوند است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «أَنْتُمْ مُخْتَبَرُونَ فِيهَا وَ مُحَاسَبُونَ عَلَيْهَا؛ در این دنیا امتحان می‌شوید و در برابر اعمالتان محاسبه می‌شوید» (نهج البلاغه، خطبه ۸۳).

از نظر امام علی علیه السلام امتحانات الهی محدود نیستند و به یک امتحان ختم نمی‌شوند، بلکه خداوند متعال انسان‌ها را در ابعاد مختلف به طرق گوناگون و متنوع مورد ابتلاء و آزمون قرار می‌دهد. «و لَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَ يَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ وَ يَتْلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ إِخْرَاجاً لِتَكْبُرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ إِسْكَاناً لِتَذَلُّ فِي نُفُوسِهِمْ؛ اما خدا بندگانش را با انواع سختی‌ها



می‌آزماید و با انواع مشکلات آنها را به عبادت دعوت می‌کند و آنها را به اقسام گرفتاری‌ها مبتلا می‌کند تا غرور را از قلب‌هایشان خارج کنند و فروتنی و آرامش را در آنها جایگزین کنند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

اهداف سنت امتحان و ارتباط آن با مراقبه

بدیهی است که خداوند با قرار دادن همه بندگان خود در معرض آزمون، اهدافی را دنبال می‌کند که در ادامه به بررسی این اهداف در کلام امیرمؤمنان علیه السلام خواهیم پرداخت. بررسی این اهداف فهم رابطه سنت آزمایش و مراقبه را آسانتر خواهد نمود.

۱: اندازه‌گیری اعمال و محک اخلاص بندگان:

حضرت علی علیه السلام یکی از دلایل و فلسفه‌های سنت امتحان و ابتلاء را سنجش اعمال انسان‌ها و محک زدن ایمان آنها معرفی کرده است و در فرازی از سخنانش فرموده است:

«الا ان الله قد كشف الخلق كشفه لانه جهل ما اخفوه من مصون اسرارهم و مکنون ضمائرهم ولكن يبلوهم احسن عملا فيكون الثواب جزاء و العقاب بواء؛ آگاه باشید که خداوند از درون بندگان پرده برمی‌گیرد، نه آن که بر اسرار پوشیده آنان آگاه نیست و بر آنچه در سینه‌ها نهفته دارند، بیخبر است، بلکه خواست آنان را آزمایش کند، تا کدامیک، اعمال نیکو انجام می‌دهد و پاداش برابر نیکوکاری و کیفر مکافات در خور بدی‌ها باشد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴).

امام علیه السلام در فرازی دیگر می‌فرماید: «و الصيام ابتلاء لاختلاص الخلق و الزكاه تسبیب للرزق فرض الله الايمان تطهيرا من الشرك؛ خداوند روزه را برای سنجش اخلاص بندگان واجب کرد و زکات را برای گسترش روزی و ایمان را برای پاکسازی دل از شرک واجب کرد» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲).

۲: تمییز بندگان متواضع و متکبر:

یکی دیگر از اهداف آزمایش از دیدگاه امام علی علیه السلام مشخص شدن افراد متواضع و مغرور است، حال آنکه غرور به لحاظ عقلی مانع مراقبه در ابعاد گوناگون است. ایشان در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه بر این نکته تصریح کرده و سجده فرشتگان بر آدم را آزمونی برای تشخیص متواضعان و متکبران معرفی می‌کنند:



«وَلَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ ابْتَلَىٰ خَلْقَهُ بَعْضُ مَا يَجْهَلُونَ أَصْلَهُ تَمَيِّزًا بِالِاخْتِبَارِ لَهُمْ وَ تَقْيًا لِلِاسْتِكْبَارِ عَنْهُمْ وَإِعَادًا لِلْخِيَلَاءِ مِنْهُمْ؛ اما خداوند آفریده‌های خود را با اموری که اطلاع ندارند، آزمایش می‌کند تا بد و خوب تمیز داده شود و غرور و خودپسندی را از آنها بزدايد و خودبزرگ‌بینی را از آنان دور کند».

۳: انذار:

حضرت علی علیه السلام یکی از اهداف آزمایش انسان‌ها را انذار و پندپذیری و به عبارتی ترغیب به مراقبت از خود در برابر معاصی گوناگون معرفی می‌کند. در همین راستا ایشان در فرازی از خطبه ۱۴۳ نهج البلاغه چنین می‌فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ وَ حَبْسِ الْبَرَكَاتِ وَ إِغْلَاقِ خَرَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيَتُوبَ تَائِبٌ وَ يُقْلَعَ مُقْلَعٌ وَ يَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ وَ يُرَدِّجَ مُرَدِّجٌ؛ خداوند بندگان خود را که گناهکارند، با کمبود میوه‌ها و جلوگیری از نزول برکات و بستن در گنج‌های خیرات امتحان می‌کند، برای آن که توبه کنند و بازگردند و گناهکار، دل از معصیت بکند و پندگیرنده، پند گیرد و بازدارنده، راه نافرمانی را بر بندگان خدا ببندد».

وسایل آزمایش در نهج البلاغه

برخی از وسایل امتحان از نگاه نهج البلاغه عبارتند از:

۱: دنیا:

در نگاه امام علی علیه السلام دنیا محل سنجش آدمی است تا بداند برای بقای جاودان در این دنیا نیامده و باید مراقب امتحانات این دنیا باشد، درواقع دنیا برای انسان تلنگری است تا مراقب دنیای حقیقی باشد. ایشان درباره دنیا می‌فرماید:

«أَلَا وَ إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسْلَمُ مِنْهَا إِلَّا فِيهَا وَ لَا يُنْجَى بِشَيْءٍ كَانَ ابْتُلِيَ النَّاسُ بِهَا فِتْنَةً فَمَا أَخَذُوهُ مِنْهَا لَهَا أُخْرٍ جُؤَا مِنْهُ وَ حُوسِبُوا عَلَيْهِ وَ مَا أَخَذُوهُ مِنْهَا لِغَيْرِهَا قَدِمُوا عَلَيْهِ وَ أَقَامُوا فِيهِ؛ ... مردم به وسیله دنیا امتحان خواهند شد، بنابراین هرچه را که به خاطر دنیا به دست آورند، از دستشان می‌رود و باید حساب آن را پس بدهند و اما آنچه را که از دنیا برای جهان دیگر تهیه کرده‌اند، به آن خواهند رسید» (نهج البلاغه، خطبه ۶۳).

۲: ثروت و فرزند:

از نظر امیرمؤمنان علیه السلام و به استناد آیات قرآن، ثروت و فرزندان ابزار سنجش انسان‌ها هستند تا با سنجش آنان میزان پاداش و کیفر هر کس را مشخص کند؛ بر همین اساس در تفسیر و توضیحی از آیه ۲۸ سوره مبارکه انفال فرموده‌اند:

« فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَمَعْنَى ذَلِكَ أَنَّهُ سُبْحَانَهُ يَخْتَبِرُهُمْ بِالْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ لِيَتَّبِعَنَّ السَّخِطُ لِرِزْقِهِ وَالتَّرَاضِي بِقِسْمِهِ وَإِنْ كَانَ سُبْحَانَهُ أَعْلَمَ بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ لَكِنْ لِيُطَهَّرَ الْأَفْعَالُ الَّتِي بِهَا يُسْتَحَقُّ الثَّوَابُ وَ الْعِقَابُ لِأَنَّ بَعْضَهُمْ يُحِبُّ الذُّكُورَ وَ يَكْرَهُ الْإِنَاثَ وَ بَعْضُهُمْ يُحِبُّ تَثْمِيرَ الْمَالِ وَ يَكْرَهُ انْتِثَامَ الْحَالِ؛ همانا خدای سبحان می‌فرماید: بدانید که اموال و فرزندانان فتنه (وسیله آزمایش) شما هستند (نهج‌البلاغه، حکمت ۹۳).

به گواهی تاریخ برخی از اقوام از جمله اعراب دوران جاهلیت به داشتن پسر فخر می‌فروختند و از داشتن دختر متنفر بودند. به این سبب که خداوند با بخشش فرزند به انسان به گونه‌ای او را می‌پاید و مورد آزمایش قرار می‌دهد تا ببیند فرد به خاطر این نعمت چقدر خشنود و شاکر است تا از این طریق کیفر و پاداش هر فرد را مشخص نماید و از طرفی دیگر می‌توان ادعا کرد که شکر نعمت، خود نوعی مراقبت انسان از خداوند و نعمت‌های او است.

امام علی علیه السلام در واقعه فوت فرزند اشعث بن قیس ضمن تسلیت و دلداری او با گریزی به آیه قرآن می‌فرماید: « يَا أَشْعَثُ إِنَّكَ سَرَكٌ وَ هُوَ بَلَاءٌ وَ فِتْنَةٌ وَ حَزَنَتُكَ وَ هُوَ ثَوَابٌ وَ رَحْمَةٌ؛ ای اشعث فرزندی تو را شادمان ساخت در حالی که امتحان و فتنه بود و او تو را غمگین کرد، در حالی که برای تو پاداش و رحمت است (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۹۱).

۳: گرسنگی و امور ترسناک و بلاها:

طبق کلام گهربار امام علی علیه السلام گاهی خداوند انسان را با قرار دادن او در فقر یا قرار دادن او در سختی‌های رعب‌آور امتحان می‌کند تا میزان رضایت و صبر او را که نوعی مراقبت و ادب در برابر خداوند است، بسنجد. ایشان در این باره می‌فرمایند: « قَدْ اخْتَبَرَهُمُ اللَّهُ بِالْمَخْمَصَةِ وَ ابْتَلَاهُمْ بِالْمُجْهِدَةِ وَ امْتَحَنَهُمْ بِالْمَخَاوِفِ وَ مَخَصَّصَهُمُ بِالْمَكَارِهِ؛ خداوند آنها را با گرسنگی امتحان نمود و به سختی و ناراحتی مبتلا کرد و با امور ترسناک آزمایش کرد و با مشقت‌ها و مشکلات خالص گرداند»

(نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). حضرت ایوب و یعقوب علیهما السلام مصداقی از امتحان با گرسنگی و بیماری و قحطی و قتل و دوری از فرزندان... هستند.

۴: نعمت‌ها:

در مباحث گذشته درباره تبدیل و نقصان نعمت‌ها در قانون تغییر اجتماعی مطالبی مطرح شد، اما گاهی خداوند انسانها را با بذل یا سلب نعمت‌ها مورد سنجش قرار می‌دهد تا ببیند مراقب حضور باری تعالی هستند یا نه؟ فعلاً به همین حد اکتفا می‌کنیم.

۵: قصور در اعمال:

امیرالمؤمنین علیه السلام در سخنی به مردم هشدار می‌دهد که مراقب اعمال واجب باشید که اگر در عمل و اطاعت از اوامر خالق یکتا قصوری صورت گیرد، خداوند شما را به بلاها مبتلا می‌کند تا متوجه شوید. امام علی علیه السلام بر همین اساس می‌فرماید: «مَنْ قَصَرَ فِي الْعَمَلِ أُتْبِلِي بِأَلْهَمٍ؛ هر کس در انجام کار خدا قصور کند، به غم و اندوه دچار می‌شود.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۷).

۶: مردم جاهل و همسایه بد

گاهی ممکن است خداوند انسان را با رویارویی با هم‌نوعانش به خصوص هم‌نوعان جاهل در ورطه آزمون قرار دهد تا میزان تحمل و مراقبت او را بسنجد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مُصَاحِبَةُ الْجَاهِلِ مِنْ أَكْثَرِ الْبَلَاءِ؛ همنشینی با نادان از بزرگترین گرفتاری‌ها است» (نجفی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۰: ۲۸۵). همچنین آن حضرت درباره همسایه بد می‌فرماید: «جَارُ السَّوِّءِ أَكْثَرُ الضَّرَائِءِ وَأَشَدُّ الْبَلَاءِ؛ همسایه بد از بزرگترین ضررها و سخت‌ترین گرفتاری‌ها محسوب می‌شود» (آمدی، ۱۴۱۰: ۴۷۳۴).

با توجه به مطالبی که گفته شد، می‌توان ادعا کرد که همه انسان‌ها بلا استثنا توسط خداوند با ابزارها و حالات در ابعاد مختلف در بوته سنجش قرار می‌گیرند که یکی از اهداف این سنجش تلنگر و هوشیاری انسان درباره مراقبت خدا از اوست.

۲-۲. مراقبت خاص و تشریحی خداوند از مؤمنان

خداوند با تشریح قوانینی خاص که توسط انبیاء به انسان‌ها ابلاغ می‌شود، از انسان‌ها مراقبت می‌کند. یکی از مظاهر این مراقبت امداد مؤمنان است.



خداوند بعد از آنکه پیامبران را برای هدایت و مراقبت از انسان‌ها فرستاد و اختیار پذیرش این هدایت را به انسان واگذار نمود هر کس را که هدایت الهی را پذیرفت، مورد لطف و مراقبت خاص خود قرار می‌دهد و همواره مراقب مؤمنان و دوستان خود خواهد بود تا در زمان نیاز به یاری آنان برود و از آنان در برابر دشمنانشان مراقبت کند. همچنان که در قرآن نیز بر این مطلب تأکید کرده و فرموده‌است: البته امداد عام خداوند شامل اهل باطل و کافران نیز هست که در بخش مراقبت کافران بررسی خواهد شد. « فَاتَّقِمْنَا مَنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ پس ما از کسانی که مرتکب گناه شدند، انتقام گرفتیم. یاری دادن به مؤمنان برعهده ما است» (روم / ۴۷).

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به وعده حقیقی خداوند اشاره می‌کند و امداد الهی را در همه ابعاد شامل حال مؤمنین معرفی می‌کند. « نَحْنُ عَلَيَّ مَوْعُودٍ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ مُنَجِّرٌ وَعْدَةٌ وَ نَاصِرٌ جُنْدَةٌ؛ از جانب خداوند به ما وعده پیروزی داده شده‌است و می‌دانیم که خدا به وعده خود جامه عمل خواهد پوشاند و لشکر خود را یاری خواهد کرد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶).

امام علیه السلام در جایی دیگر درباره یاری خاص مؤمنان می‌فرماید: « إِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَهُ عَلَيَّ إِقَامَةِ الْحَقِّ؛ هرگاه خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، او را در استواری حق و راستی یاری می‌دهد» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ۳۱۸). امام علی علیه السلام رمز پیروزی‌های خود را وعده‌های یاری و مراقبت خدا معرفی کرده و می‌فرماید: « وَمِنَ الْعَجَبِ بَعَثَهُمُ إِلَيَّ أَنْ أَبْرَزَ لِلطَّعَانِ وَأَنْ أَصْبِرَ لِلْجَلَادِ هَبِلَتْهُمْ الْهَبُولُ لَقَدْ كُنْتُ وَمَا أُهْدَدُ بِالْحَرْبِ وَلَا أَزْهَبُ بِالضَّرْبِ وَإِنِّي لَعَلَى يَقِينٍ مِنْ رَبِّي وَ غَيْرِ شُبُهَةٍ مِنْ دِينِي؛ و از شگفتی‌های روزگار این است که شامیان به من پیام فرستاده‌اند که خود را برای مقابله با سر نیزه‌ها آماده کنم و برای ضربات شمشیر صبور باشم. مادران گریان به عزایشان بنشینند. تاکنون کسی مرا با دعوت به جنگ تهدید ننموده‌است و از زخم‌های نیزه و شمشیر ترسی نداشته‌ام، چرا که بر یقین (وعده یاری و مراقبت) پروردگارم تکیه کرده‌ام و دینم از زنگار شبهه آلوده نشده‌است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲).

در یک تقسیم می‌توان مراقبت خاص خداوند از مؤمنان را به یاری و مراقبت غیرارادی و مراقبت و یاری تشریحی تقسیم نمود.



یاری غیر ارادی: این نوع یاری برگرفته از صفت رحمانیت خداوند است و فقط مختص انسان‌هاست (به خصوص انسان‌های مؤمن) (مراد خانی تهرانی، ۱۳۹۴: ۲۸۸). امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد یاری و مراقبت غیر ارادی خداوند از انسان می‌فرماید: «مَنْ حَسَنَتْ نِيَّتَهُ أَمَدَهُ التَّوْفِيقُ؛ هر کس خوش‌نیت باشد، توفیق یاریش می‌کند» (آمدی، ج ۲: ۷۲۰).

یاری تشریحی: این نوع یاری در چهارچوب دین که مشتمل بر قوانین و دستوراتی از جانب خداوند است و توسط انبیاء به انسان ابلاغ شده‌است، شامل حال هر انسانی که از این دستورات پیروی کند، می‌شود؛ همچنان که امام علی علیه السلام نیز به این مطلب اشاره نموده‌اند: «مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ عَزَّ وَجَلَّ؛ کسی که از خدا اطاعت کند، خداوند (توانایش می‌کند)» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۶۷۵).

۲-۳. مراقبت خاص خداوند از غیر مؤمنان

همانطور که گفته شد، مؤمنان در راه الهی و پیروزی در ابعاد مختلف سیاسی و... و سعادت اخروی توسط خداوند یاری می‌شوند. کافران و یاغیان هم در راه شقاوت و کفر توسط خداوند یاری می‌شوند. به دیگر سخن از طرفی خداوند مراقب و ناظر تک‌تک انسان‌هاست، از طرفی هم به انسان‌ها اختیار انتخاب راه را داده‌است، پس هر انسانی را بر اساس راهی که انتخاب کرده‌اند، یاری می‌دهد و کافران را هم که راه گمراهی را انتخاب کرده‌اند، یاری می‌دهد و از آنان در راه ضلالت مراقبت می‌کند. امام علی برخی از امور را موجب مراقبت خداوند از غیرمؤمنان و کافران در کفر و گمراهی شان می‌داند. که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱: ریا

امام علی علیه السلام ریا را موجب رهایی انسان از مراقبت الهی می‌داند. «وَاعْمَلُوا فِي غَيْرِ رِقَاءٍ وَ لَا سُمْعَةٍ فَإِنَّهُ مَنْ يَعْمَلْ لِغَيْرِ اللَّهِ يَكِلُهُ اللَّهُ لِمَنْ عَمِلَ لَهُ؛ برای خدا کار کنید نه برای نشان دادن به دیگران و یا شنیدن این و آن که هر کس برای غیر خدا کار کند، خدا او را به حال خود وا می‌گذارد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳).

۲: املاء و استدراج:

ابن فارس درج را راه رفتن هر شخص در مسیر خودش معنا کرده‌است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ذیل ماده درج) خداوند متعال همیشه ناظر و مراقب انسان است و هنگامی که انسانی راه کفر و ناشکری



را در پیش بگیرد، خداوند هم او را می‌پاید و به او نعمت‌های زیادی عطا می‌کند. بذل نعمتی که از سر مهربانی نیست، بلکه از سر واگذار کردن شخص به حال خودش است تا بیشتر به دام گناه بیفتد (خوانساری، ۱۳۶۶ ج ۳، ۱۳۲) و باید از زیاد شدن نعمت با چنین شرایطی ترسید، چون این نعمت‌ها در اصل مقدمه‌ای بر سلب تدریجی نعمت‌ها است. همانطور که امیرالمؤمنین علیه السلام در تعریفی از استدراج به این نکات اشاره نموده و فرموده‌اند: «إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ يُتَابِعُ عَلَيْكَ النَّعْمَ مَعَ الْمَعَاصِي فَهُوَ اسْتِدْرَاجٌ لَكَ؛ هرگاه دیدی که خداوند سبحان پیایی نعمت بر تو می‌فرستد و تو در حال گناه هستی، پس این کم‌کم نعمت را از تو گرفتن است» (آمدی، ۱۴۱۰: ۴۰۴۶). از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام غفلت از فراوانی نعمت با وجود گناهان بی‌درپی یکی از ویژگی‌های کسانی است که قانون استدراج شامل حال آنها شده است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «كَمْ مِنْ مُسْتَدْرِجٍ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مَغْرُورٌ بِالسُّرْرِ عَلَيْهِ مُفْتُونٌ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ وَمَا أَجْلَى اللَّهِ عَبْدًا بِمِثْلِ الْإِبْلَاءِ لَهُ؛ چه بسیارند کسانی که توسط نعمت غافلگیر می‌شوند و به خاطر پرده‌پوشی خدا بر گناهانشان مغرور می‌گردند و بر اثر تعریف و تمجید از آنان فریب می‌خورند و خدا هیچ‌کس را به چیزی مثل مهلت دادن آزمایش نکرده است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۶).

امام علی علیه السلام در جایی دیگر انسان را به ترس و مراقبت در برابر بذل نعمت‌های فراوان توصیه کرده و می‌فرماید: «یابن آدم اذا رایت ریک سبحانه یتابع علیک نعمته و انت تعصیه فاحذره؛ ای پسر آدم وقتی دیدی پروردگارت بی‌درپی نعمت‌هایش را به تو می‌رساند و تو از او نافرمانی می‌کنی، پس از او بترس» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵). انسان گناهکار هیچگاه نباید به خاطر نعمت‌های خداوند به خود مغرور باشد؛ زیرا خداوند مراقب اوست و همین غرور موجب بیشتر شدن گناهان و در نهایت هلاکت او خواهد شد.

۳: امهال:

گاهی خداوند متعال جهت رعایت برخی مصلحت‌ها که عقل آدمی به حکمت آن واقف نیست، به برخی کافران مدتی مهلت می‌دهد و آنان را زیر نظر می‌گیرد تا شاید نور هدایت در قلب برخی از آنان بتابد و به راه راست هدایت شوند یا فرزندان صالحی از آنان به وجود آید و اگر چنین نشد، او را هلاک نماید، همچنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام در سخنی به این نکته اشاره کرده و می‌فرماید: «وَلَئِنْ أَمَّهَلَ اللَّهُ الظَّالِمَ فَلَنْ يَمُوتَ أَخَذَهُ وَهُوَ لَهُ بِالْمِرْصَادِ عَلَى مَجَازِ طَرِيقِهِ وَبِمَوْضِعِ الشَّجَا مِنْ مَسَاغِ رِيقِهِ؛ اگر



ستمکار را مهلت داد، از او نرسته است، بلکه خدا در گذرگاه او نشسته تا در بندش کند و چون استخوان گلوگیر نای او را بفشارد» (نهج البلاغه، خطبه ۹۷). امام علیه السلام در بیانی دیگر می‌فرماید: «فَإِنَّ أَلَّةَ لَمْ يَقْضِمْ جَبَّارِي دَهْرٍ قَطُّ إِلَّا بَعْدَ تَمْهِيلٍ وَرَخَاءٍ...؛ خداوند ظالمان روزگار را شکست نداده مگر آنکه نخست آنان را مدتی مهلت داده» (نهج البلاغه، خطبه ۸۸).

۴: شکست از دشمنان:

همانطور که بیان شد، اراده خداوند درباره مؤمنان این است که همواره مؤمنان در ابعاد مختلف سیاسی و اجتماعی و... بر اهل باطل مسلط و پیروز باشند. اراده خداوند نیز بر این است که اهل باطل و ظالمان همواره از دشمنان خود شکست خورده و مغلوب دشمنان خود باشند. امیرالمؤمنین علیه السلام در سخنان خود بارها بر این نکته تأکید نموده‌اند که اهل باطل اهل هلاکتند. «هَلَكَ مَنْ ادَّعَى وَ خَابَ مَنْ افْتَرَى مَنْ أَبَدَى صَفْحَتَهُ لِحَقِّ هَلَكَ؛ هرکس به غیر حق ادعا کرد، هلاک گردید و دروغگو زبان دید؛ هر کس با حق در افتاد، هلاک شد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶). امام در بیانی دیگر می‌فرماید: «فَلَمَّا رَأَى أَلَّةٌ صِدْقَنَا أَنْزَلَ بَعْدُونَا الْكَبْتَ وَأَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ حَتَّى اسْتَقَرَّ الْإِسْلَامُ؛ چون خداوند راستی و وفاداری ما را مشاهده نمود، دشمن ما را خوار و پیروزی را از آن ما کرد تا اسلام استقرار یافت» (نهج البلاغه، خطبه ۵۶).

۵: ابتلاء کافران به گرفتاری‌ها:

خداوند همواره کافران را به سختی‌ها و گرفتاری‌ها مبتلا می‌کند تا از سویی مراقبت خود را به او یادآوری کند تا بلکه بنده کافر به توبه و استغفار روی آورد و از سویی دیگر به او تلنگری وارد کند تا بلکه انسان خطاکار به خطاها و گناهان خود پی برده و مراقب خود باشد؛ البته این بحث در بخش قانون آزمایش بیان شد و آزمایش به وسیله ابتلاء شدائد برای همه انسان‌ها جاری است، ولی درد مورد اهل باطل بیشتر و سخت‌تر است؛ همانطور که قرآن کریم به این مسئله اشاره می‌کند (وَلَا يَتْرَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا تَصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةً أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ؛ کسانی که کفر می‌ورزند، به سزای آنچه می‌کنند، پیوسته یا مصیبتی بزرگ به آنان می‌رسد یا در نزدیکی خانه‌شان رخ می‌دهد تا وعده خدای متعال فرا رسد که خدای متعال خلاف وعده نمی‌کند) (رعد/۳۱).



امیرالمؤمنین علیه السلام نیز همواره انسان‌ها را به عبرت‌گیری از عذاب‌هایی که بر امت‌های گذشته نازل شده است، فرا می‌خواند. «فَاعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَّمَ الْأُمْسُتَكْبِرِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ بَأْسِ اللَّهِ وَ صَوْلَاتِهِ وَ وَقَائِعِهِ وَ مَثَلَاتِهِ؛ عبرت بگیرید و تجربه ذخیره کنید، از آنچه که قبل از شما متکبران امت را گرفتار کرد، از غضب و حملات و عذاب‌های سخت خداوند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳).

۶: تسلط مجرمان:

اگر هیچکدام از گرفتاری‌هایی که خداوند جهت تنبیه و یادآوری مراقبت خود بر اهل باطل می‌فرستد، کارساز نباشد، در مرحله اول خداوند مجرمان و مترفان را بر آنان مسلط می‌کند. همانطور که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيُمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (۱۲۳)... سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ؛ و بدین‌گونه در هر شهری گناهکاران بزرگش را می‌گماریم تا در آن به خدعه پردازیم (ولی) آنان جز به خودشان نیرنگ نمی‌زنند و درک نمی‌کنند... به زودی کسانی را که مرتکب گناه شدند، به سزای آنکه نیرنگ می‌کردند، در محضر خدا به شکنجه و خواری سخت خواهند رسید) (انعام؛ ۱۲۳/۱۲۴).

امام علی علیه السلام نیز به مردم گوشزد می‌کند که ترک امر به معروف و نهی از منکر موجب جاری شدن این قانون خداوند و چیره‌شدن مجرمان بر جامعه می‌شود. «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُولَىٰ عَلَيْكُمْ أَشْرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ؛ امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید وگرنه بدکارترینتان بر شما چیره می‌شود و سپس از شر آنها دعا می‌کنید ولی مستجاب نمی‌شود» (نهج البلاغه، نامه ۵۷).

۷: هلاکت و ریشه‌کنی:

پس از آنکه مهلت خداوند به پیروان باطل کارساز نبود و به توبه و... منجر نشد و تدابیر دیگر نیز در بازگشت آنان به راه حق پاسخگو نبود، خداوندی که ناظر و مراقب کلیه افعال اهل باطل است، در وهله اول مجرمان جامعه را بر آنان مسلط خواهد نمود و سپس نوبت به ریشه‌کنی آنان می‌رسد که یکی از قوانین حتمی و ویژه اهل باطل است. در سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام به علل و اسباب ریشه‌کنی به کرات اشاره شده است؛ به عبارت دیگر کفر و عدم اطاعت از خدا و پیامبر و حق الناس و

انجام افعال حرام و... موجب جاری شدن این قانون لایتحلف الہی خواهد شد؛ چنانچه امیرالمؤمنین علیہ السلام پس از تصدی خلافت به امیران لشکر خود را در نامه‌ای از رعایت نکردن حقوق مردم بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلُكُمْ أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ فَاشْتَرَوْهُ وَأَخَذُوهُمْ بِالْبَاطِلِ فَأَقْتَدَوْهُ؛ اما بعد، آنان که قبل شما بودند، تباہ شدند، چون حق مردم را ندادند تا آن را به رشوه خریدند و راه باطلشان بردند و آنان پیرو آن گردیدند» (نهج البلاغه، نامه ۷۹).

۲-۴. مراقبت بی واسطه و تکوینی خداوند از انسان

خداوند خود مراقب همه انسان‌هاست؛ همچنانکه مکرراً در قرآن کریم این مسئله را یادآوری نموده و فرموده و خدا مراقب شماست و بهترین نگهبان است و از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است. او همواره با ما است «إِنَّ اللَّهَ مَعَكُمْ» خداوند سومین دو نفر است و چهارمین سه نفر است. این آیات در قرآن کریم نشان‌دهنده مراقبت مستمر و همیشگی خداوند نسبت به انسان و اعمال اوست. این نوع مراقبت برای همه انسان‌ها اعم از اهل حق و اهل باطل جاری است و از صفت رحمانیت خداوند نشأت می‌گیرد، به عبارتی روشن‌تر خداوند مهربان همواره مراقب انسان‌هاست و دوست دارد آنان را هدایت کند.

۲-۵. مراقبت با واسطه خداوند از انسان

خداوند همچنان برای مراقبت از انسان‌ها در جهت نیل به سعادت و یا مجازات افراد، ابزاری را قرار داده‌است؛ البته دور از ذهن نیست که برای برخی این سؤال مطرح شود که مگر خداوند خود قادر مطلق و مراقب همیشگی انسان‌ها نیست؟ پس چه نیازی به واسطه‌هایی برای مراقبت از انسان‌ها دارد؟ به نظر نویسنده این پژوهش قرار دادن واسطه برای مراقبت از انسان‌ها منافاتی با قدرت و تسلط خداوند ندارد، بلکه خداوند این واسطه‌ها را گمارده تا از طرفی علاوه بر مراقبت از اعمال انسان‌ها شاهدان آن اعمال در روز جزا باشند تا هیچکس عذر و بهانه‌ای نیاورد و از طرفی دیگر وقتی انسان بداند که خداوند علاوه بر نظارت مستمر خود بر اعمال واسطه‌هایی هم قرار داده تا افعال آنها را زیر نظر بگیرند و شاهد اعمال آنها باشند، پس بیشتر مراقب اعمال خود و مراقب حضور خداوند و یاد او خواهند بود. برخی مراقبان و شاهدان اعمال انسان به استناد آیات و روایات عبارتند از:

۱: پیامبران الهی:

پیامبران هر امت مراقب اعمال و شاهدان امت خود هستند و پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز مراقب و شاهد تمام امت هاست؛ همانطور که قرآن کریم می‌فرماید: (وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ) (به یاد آورید) روزی را که از هر امتی، گواهی از خودشان بر آنها برمی‌انگیزیم؛ و تو را گواه بر آنان قرار می‌دهیم) (نحل/۸۹).

۲: زمین:

زمین به استناد قرآن کریم و پاره‌ای از روایات، یکی از مراقبان انسان و شاهدان اعمال او معرفی شده‌است؛ همچنانکه در سوره زلزال مشاهده می‌کنیم: (يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا؛ در این روز زمین خبرهای خویش را حکایت می‌کند) (زلزال/۴).

۴: ملائکه:

به تصریح قرآن کریم و روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام خداوند در کنار هر انسانی فرشتگانی را به عنوان محافظ قرار داده که به شدت مراقب او هستند و هیچ عمل انسان از نظر آنان پنهان نمی‌ماند و همه را ثبت می‌کنند و در روز قیامت نیز شاهدهی بر اعمال انسان هستند؛ همچنانکه امام علی عَلَيْهِ السَّلَام به این مطلب به زیبایی اشاره کرده و فرموده‌اند: «إِنَّ مَعَ كُلِّ إِنْسَانٍ مَلَكَينِ يَحْفَظَانِهِ، فَإِذَا جَاءَ الْقَدْرُ خَلِيَا بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ؛ همراه هر انسانی دو فرشته است که او را می‌پایند و چون قدر خدا فرا رسد، (انسان را) به آن واگذار می‌کنند» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۱).

۵: اعضای بدن:

یکی دیگر از مراقبان و شاهدان اعمال انسان اعضای بدن او هستند که به دستور خداوند به فهم و تکلم می‌رسند و بر علیه او شهادت می‌دهند. (يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) «نور ۲۴» امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نیز در نهج البلاغه به مراقبت و شهادت اعضای بدن اشاره نموده و فرموده‌اند: «اعلموا عباد الله انَّ عَلَيْكُمْ رَصْدًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ وَعُيُونًا مِنْ جَوَارِحِكُمْ، وَحَفَاطَ صِدْقٍ يَحْفَظُونَ أَعْمَالَكُمْ وَعَدَدَ أَنْفَاسِكُمْ، لَا تَسْتُرُكُمْ مِنْهُمْ ظُلْمَةٌ لَيْلٍ دَاجٍ، وَلَا يَكُنُّكُمْ مِنْهُمْ بَابٌ ذُو رِقَاجٍ؛ بدانید، ای بندگان خدا، شما را از خود نگهبانانی و از اعضایتان جاسوسانی و حافظانی راستین است، که اعمالتان را می‌نویسند و حتی شماره نفسهایتان را ضبط می‌کنند. تاریکی شبهای ظلمانی شما را از آنان فرو نپوشد یا اگر در پشت درهای بسته پنهان گردید، از دیده آنها پنهان نخواهید ماند (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷).

۶: زمان:

یکی دیگر از مراقبان و گواهان انسان، زمان است؛ همانطور که امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی به این مطلب اشاره کرده و فرموده است: «ما مِنْ يَوْمٍ يَمُرُّ عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمُ: يَا بْنَ آدَمَ أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَأَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ؛ هر روزی که بر انسان وارد شود، گوید: من روز جدیدی هستم، من بر اعمال و گفتار تو شاهد می باشم»

۷: اعمال انسان:

هفتمین مراقب و شاهد در روز قیامت، خود اعمال انسان است که در روز قیامت مجسم می شوند و علیه او شهادت می دهند، برای مثال در روایتی در اصول کافی نقل شده است که قرآن در روز قیامت به زیباترین صورت مجسم خواهد شد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۳۷).

نتیجه گیری

با استناد به مطالب پژوهش حاضر، می توان نکات زیر را در چند بند نتیجه گیری نمود: مراقبه در نظر امام علی علیه السلام از ارزش و جایگاه والایی برخوردار است. اگر بگوییم امیرمؤمنان علیه السلام پرچمدار مراقبان حقیقی در عرصه های گوناگون در طول تاریخ بشری است و کلام زندگی بخش ایشان به نوعی مرتبط با مراقبه است، ادعای بیهوده ننموده ایم. در نگاه امام علی علیه السلام مراقبه اقسام گوناگونی دارد که مراقبت خداوند از انسان یکی از ابعاد گسترده آن است.

از منظر امیرمؤمنان علیه السلام مراقبه در معنای عام مستقیماً با کلماتی همچون محافظت حراست و تقوا و... هم معناست

در نگاه امام علی علیه السلام مراقبت خداوند از انسان با نظارت مستقیم و تشریح قوانین عام و خاص ویژه انسان های مؤمن و کافر که از آن قوانین به سنت های الهی تعبیر می شود و یا با استفاده از واسطه هایی به مراقبت از انسان ها تجلی می یابد.

تمام اقسام مراقبه با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند، به گونه ای که مد نظر قرار ندادن هر یک باعث به بار آمدن تبعات جبران ناپذیری خواهد شد؛ به بیان واضح تر آدمی در صورت عدم مراقبت از

نفس، راه نفوذ شیطان را هموار کرده و نفس اماره را بر خویش حاکم می‌سازد و رفته‌رفته خدا را از یاد خواهد برد و به‌مثابه آن مراقبت الهی را از دست خواهد داد.

برخلاف عرفا که مراقبه را صرفاً معنوی و از منازل سلوک الی الله می‌دانند و برخلاف جوامع غربی که مراقبه مادی و متوجه روان و جسم ادمی و برای آرامش مادی و بهبودی او از بیماری‌های جسمی می‌دانند به نظر می‌رسد که معنای دیگر از مراقبه در نهج‌البلاغه به دست می‌آید که مراقبه را دائمی و متوجه همه ابعاد ادمی از جسم و روح او می‌باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۱. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۹۳ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ش، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، تهران: چاپ دوم، اسلام.
۳. کلینی، محمد، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. سلطانی، عاطفه، ۱۳۹۲ش، *گزارش کوتاه مراقبه در فرهنگ اسلامی و در غرب*، اصول بهداشت روانی، مشهد: بیمارستان ابن سینا، مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری.
۶. موسوی گرمارودی، رویا، ۱۳۸۶ش، *مدیتیشن یا آرامش کاذب*، بی جا، بی نا.
۷. ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۰۸ق، *لسان العرب*، محقق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. ابن فارس، ابوالحسین احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، محقق: هارون عبدالسلام محمد، مکتب الاعلام الاسلامی.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالشامیه
۱۰. ابن میثم، میثم بن علی، ۱۴۰۴ق، *شرح نهج البلاغه*، تهران: نشر کتاب.
۱۱. طراد، مجید، ۲۰۰۹م، *المعجم المفصل فی المترادفات فی اللغة العربیه*، بیروت: دارالکتب العلمیه
۱۲. فراهیدی، خلیل ابن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، بیروت: موسسه دارالهجره.
۱۳. فیض کاشانی، محسن، ۱۳۷۲ش، *راه روشن*، ترجمه: سید محمدصادق عارف، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۴. کاشانی، عزالدین محمود، ۱۳۹۳ش، *مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه*، تهران: هما.



۱۵. قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم، ۱۳۷۴ ش، *الرساله القشیریة*، محقق: عبدالحلیم محمود و ابن الشریف محمود، قم: بیدار.
۱۶. نعیم محمد، ۱۳۹۷ ش، *شرح منوی*، محقق: علی اوجبی، چاپ دوم، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۷. بحر العلوم، سیدمحمد مهدی، ۱۴۱۸ ق، *رساله سیر و سلوک*، شارح: محمدحسین حسینی تهرانی، چاپ چهارم، تهران: علامه طباطبائی.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴ ش، *دانش و روش بندگی*، تهران: اسراء.
۱۹. خوبی. میرزاحبیب الله، ۱۴۰۰ ق، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، چاپ چهارم، تهران: مکتبه الاسلامیه
۲۰. آمدی، عبدالواحد، ۱۴۱۰ ق، *غررالحکم و دررالکلم*، تصحیح: سیدمهدی رجایی، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. شیخ الاسلامی، سیدحسین، ۱۳۸۵ ش، *گفتار امیرالمؤمنین ع*، چاپ هفتم، قم: انصاریان.
۲۲. لیتی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ ش، *عیون الحکم و المواعظ*، محقق: حسین حسینی بیرجندی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۷ ش، *نهج الذکر*، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۲۴. عسکری، حسن بن عبدالله، ۱۴۰۰ ق، *الفروق فی اللغة*، بیروت: دارالافاق الجدیده
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۸ ق، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت: دارالمعرفه
۲۶. نجفی، هادی، ۱۴۲۳ ق، *موسوعه احادیث اهل بیت ع*، بیروت: دار احیاء التراث العربی
۲۷. مرادخانی تهرانی، احمد، ۱۳۹۴ ش، *سنت های اجتماعی الهی در قرآن*، چاپ سوم، بی جا، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ص.
۲۸. خوانساری، آقاجمال، ۱۳۶۶ ش، *شرح غرر*، تهران: دانشگاه تهران
۲۹. عریان، باباطاهر/همدانی، سیدعلی، ۱۳۷۰ ش، *مقامات عارفان*، تهران: کتابخانه مستوفی.